

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 4, Summer 2021, 349-377
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.30512.1818

A Critique on the Book “*Capitalism's Achilles Heel: Dirty Money and How to Renew the Free-Market System*”

Mohammad Javad Nourahmadi*

Abstract

This book explains the impact of dirty money on the functioning of the global capitalist system. Raymond Baker introduces a three-loop interconnected chain of interactions, including lawlessness, inequality, and the philosophy of utilitarianism, as the Achilles' heel of capitalism which has provided the ground for the vulnerability of this system, especially in the twentieth century. Baker considers the restructuring of the free market system and the continuation of the optimal functioning of this system in the 21st century to be subject to serious reforms in the philosophy of capitalism, namely utilitarianism, with an emphasis on the theory of justice of John Rawls and Thomas Pogge. He believes that effective measures to reduce inequality in wealth within and between countries should be taken to reduce dirty money and debt forgiveness of developing countries. Baker also recommends institutional changes in the structure of the World Bank and the financial system of developed countries to reduce the creation and flow of dirty money from developing and transition countries. In this article, while evaluating the form and content of Baker's book, his innovations in the critique of the global capitalist system are presented from within and compared with other critiques of capitalism, and suggestions for updating the book are presented.

Keywords: Capitalism, Free Market System, Illegality, Dirty Money, Inequality, Utilitarianism, Justice

* Assistant Professor, Department of Theoretical Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, mjnourahmadi@atu.ac.ir

Date received: 25/01/2021, Date of acceptance: 22/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی و نقد کتاب

پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری: پول‌کنیف و چگونگی احیای نظام بازار آزاد

محمدجواد نوراحمدی*

چکیده

این کتاب به تبیین تاثیر پول‌کنیف بر عملکرد نظام سرمایه‌داری جهانی می‌پردازد. ریموند بیکر زنجیره سه‌حلقه‌ای به‌هم‌وابسته و دارای اثرات متقابل شامل بی‌قانونی، نابرابری و فلسفه مطلوبیت‌گرایی را به‌عنوان پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری معرفی می‌کند که زمینه آسیب‌پذیری این نظام را مخصوصاً در قرن بیستم فراهم کرده‌است. بیکر، تجدیدساختار نظام بازار آزاد و تداوم عملکرد بهینه این نظام را در قرن بیست و یکم، منوط به اصلاحات جدی در فلسفه حاکم بر سرمایه‌داری یعنی مطلوبیت‌گرایی با تاکید بر نظریه عدالت جان رالز و توماس پوگ می‌داند. او معتقد است که باید اقدامات موثری برای کاهش نابرابری ثروت در داخل و بین کشورهای جهان از طریق کاهش پول‌کنیف و بخشش بدهی کشورهای در حال توسعه انجام شود. بیکر همچنین تغییرات نهادی در ساختار بانک جهانی و نظام مالی کشورهای پیشرفته برای کاهش ایجاد و جریان پول‌کنیف از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار به کشورهای پیشرفته را توصیه می‌کند. در این مقاله ضمن ارزیابی شکلی و محتوایی کتاب بیکر، نوآوری‌های وی در نقد نظام سرمایه‌داری جهانی از درون مطرح شده و با سایر نقدهای سرمایه‌داری مقایسه شده و پیشنهاداتی جهت روزآمد شدن کتاب مطرح می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌داری، نظام بازار آزاد، بی‌قانونی، پول‌کنیف، نابرابری، مطلوبیت‌گرایی، عدالت

طبقه‌بندی JEL: Y3 P1 G2 D6

* استادیار گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، mjnourahmadi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

۱. مقدمه

در نظام‌های مالی ملی و بین‌المللی، انواع و شکل‌های مختلفی از پول‌شویی رایج است. ریموند بیکر نویسنده کتاب پاشنه‌آشیل^۱ سرمایه‌داری، به‌جای پول‌شویی از اصطلاح پول‌کثیف (Dirty Money) استفاده می‌کند و به این صورت تعریف می‌کند: «پولی که به صورت غیرقانونی تحصیل، منتقل یا خرج شده باشد.» (بیکر ۱۳۹۶: ۴۳) بیکر پول‌کثیف را به سه شکل طبقه‌بندی می‌کند: مجرمانه، فاسد و تجاری. پول‌کثیف از نوع تجاری، شامل فرار مالیاتی و پنهان کردن هویت گروه‌های ذی‌نفع می‌شود. پول‌کثیف از نوع فاسد، از طریق رشوه و سرقت توسط مسئولین و مقامات دولتی حاصل می‌شود در حالی که نوع مجرمانه آن شامل عایدات حاصل از تجارت برده، مواد مخدر، تن‌فروشی و تامین مالی تروریسم می‌شود. (بیکر ۱۳۹۶)

بیکر رئیس سازمان یکپارچگی مالی جهانی (Global Financial Integrity: GFI) است که سال‌های زیادی از عمر خود را به عنوان بازرگان در نیجریه سپری کرده است. او دانش دست‌اول گسترده‌ای دارد درباره این که پدیده پول‌کثیف (Dirty Money Phenomenon) در دنیای واقعی چگونه عمل می‌کند. او درباره مکانیزم ایجاد، مبانی فلسفی و پیامدهای پول‌کثیف سال‌های زیادی مطالعه کرده است. کتاب پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری نشان می‌دهد که بیکر فردی واقع‌بین، معتقد به نظام سرمایه‌داری و با یک وجدان اجتماعی قوی و بسیار حساس نسبت به اثرات انسانی پدیده‌های اقتصادی است. بیکر با احساسات شدید بحث می‌کند که پول‌کثیف دلالت‌های جدی برای حقوق بشر دارد و در آن بسیاری از سوءاستفاده‌ها را آشکار می‌سازد که توسط نظریه‌های دستوری محکوم شده است. به‌علاوه بیکر ادعا می‌کند که یکی از عوامل اصلی ایجاد نابرابری گسترده در میان و داخل ملت‌ها، پول‌کثیف است. (Dunfee et al. ۲۰۰۷: ۷۳۰)

شاید یکی از بحث‌برانگیزترین مواضع اتخاذ شده در این کتاب، این است که فلاسفه مطلوبیت‌گرا و دانشکده‌های کسب‌وکار، به ایجاد یک محیط مساعد اجتماعی و اقتصادی برای انتقال گسترده منابع از فقیرترین مردم روی زمین به ثروتمندترین آن‌ها کمک کرده است. پول‌کثیف آن‌طور که توسط بیکر به تصویر کشیده شده است، در تقابل با ترتیبات نهادی پیشنهادی جان رالز در کتاب درباره نظریه عدالت است و بیکر معتقد است سیاست‌ها و فرایندها در نظام مالی جهانی به صورتی هماهنگ، از ثروتمندان به هزینه فقرا حمایت می‌کند. (ibid.)

- این مقاله موارد زیر را به ترتیب پس از مقدمه، مورد بررسی قرار می‌دهد:
۱. به معرفی نویسنده و توصیف ظاهری اثر و ارزیابی شکلی آن می‌پردازد.
 ۲. به طور خلاصه موضوعات اصلی و اهداف مطرح شده در کتاب را از طریق بررسی بخش‌ها و فصول کتاب توضیح می‌دهد.
 ۳. نقد سرمایه‌داری از درون که توسط بیکر انجام شده است را بر اساس سایر نقدها و تحلیل‌های ارائه شده درباره سرمایه‌داری، مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
 ۴. نوآوری‌های کتاب بیکر را تصریح کرده و کاستی‌های آن را مطرح می‌کند.
 ۵. ترجمه کتاب را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
 ۶. و در پایان نتیجه‌گیری مقاله را ارائه می‌دهد.

۲. معرفی نویسنده، توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن

ریموند بیکر نویسنده کتاب *پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری: پول‌های کثیف و چگونگی تجدید سیستم بازار آزاد* است که توسط فایننشیال تایمز به عنوان یکی از بهترین کتابها در زمینه کسب‌وکار در سال ۲۰۰۵ شناخته شد. آقای بیکر رئیس یکپارچگی مالی جهانی (GFI)، یک سازمان مبتنی بر تحقیق و حمایت در واشنگتن دی‌سی است. GFI سیاست‌های ملی، چندجانبه، تضمین‌ها و توافقی‌ها را برای محدود کردن جریان مرزی پول‌های غیرقانونی را ترویج می‌کند. بیکر عضو هیاتی عالی در مورد جریان‌های مالی غیرقانونی از آفریقا است که توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آفریقا به ریاست رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی تابومبیکی تشکیل شده است. آقای بیکر دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی از دانشکده کسب‌وکار هاروارد است. از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۶ در تجارت خصوصی فعالیت می‌کرد. او ۱۵ سال در نیجریه زندگی کرد و تعدادی شرکت بازرگانی تاسیس نمود. وی سپس با حفظ منافع در آفریقا، با تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه جهان به مدت ۲۰ سال به تجارت اشتغال داشت. از ۱۹۹۶ آقای بیکر به عنوان دانشمند مهمان به مدت ۶ سال در موسسه بروکینگز در واشنگتن دی‌سی بود و درباره رابطه بین فساد، پول‌شویی، فقر و نابرابری به تحقیق و تالیف اشتغال داشت. وی پروژه‌ای را تحت عنوان *فرار سرمایه، فقر و اقتصاد بازار آزاد* با کمک هزینه بنیاد جان‌دی و کاترین تی. مک‌آرتور انجام داد. وی به ۲۳ کشور جهان سفر کرد تا با ۳۲۵ بانکدار مرکزی، بانکداران

تجاری، مقامات دولتی، اقتصاددانان، حقوقدانان، جمع‌آوری‌کنندگان مالیات، افسران امنیتی و جامعه‌شناسان درباره روابط بین رشوه، فرار مالیاتی تجاری، پول‌شویی و رشد اقتصادی مصاحبه‌کند. (سازمان یکپارچگی مالی جهانی)

از آقای بیکر علاوه بر کتاب پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری، مقالات دیگری نیز در زمینه پول‌کثیف منتشر شده‌است که عبارتند از: بزرگترین حفره در نظام بازار آزاد (۱۹۹۹)، فرار غیرقانونی سرمایه: خطراتی برای ثبات جهانی (۲۰۰۰) و چگونه پول‌کثیف فقرا را گرفتاری کند (۲۰۰۴)

۱,۲ ارزیابی طرح جلد کتاب

طرح جلد نسخه فارسی کتاب، عده‌ای از افراد با لباس‌های فاخر را با چشم‌بندهای سارقان در اطراف یک میز نشان‌می‌دهد که بر روی میز، دفاتر حساب و قراردادهای تجاری به چشم‌می‌خورد. طراح جلد می‌خواهد سرقت‌های مالی در ظاهری قانونی و توسط افرادی با ظاهری معتبر را به تصویر بکشد.

طرح جلد انگلیسی کتاب، کره‌زمین را به رنگ نارنجی به تصویر کشیده‌است. در بالا و پایین کره‌زمین از رنگ آبی پررنگ استفاده شده‌است. علامت دلار به رنگ سبز در بالای کره‌زمین قرار گرفته‌است. کلمه سرمایه‌داری با رنگ سفید و آشیل با رنگ زرد در بالای کره‌زمین و پول‌کثیف با رنگ قرمز در مرکز کره‌زمین و نظام بازار آزاد در فضایی سفیدرنگ در پایین کره‌زمین تایپ شده‌است. در روان‌شناسی رنگ‌ها، رنگ آبی ایجاد احساس اعتماد و امنیت می‌کند. در تحقیقات شناختی اولین دو رنگی که در مغز پردازش می‌شوند قرمز و زرد هستند. رنگ زرد توجهات را به خود جلب می‌کند (آشیل) و رنگ قرمز شدت توجه را تحریک می‌کند و فوریت را نشان‌می‌دهد (پول‌کثیف). نارنجی یک فراخوان به حرکت را ایجاد می‌کند و برای تحریک هیجان و شور و شوق مفید است (کره زمین). سبز تیره معمولاً با مفهوم ثروت، دارایی و بانک همراه است و می‌تواند احساس صلح، امید، اعتماد و آرامش را به همراه بیاورد (علامت دلار). (Hossein Nezhad et al. ۲۰۱۳) به طور خلاصه طرح جلد انگلیسی توجه به پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری با محوریت پول‌کثیف را مورد تأکید قرار می‌دهد و توجه همه را به نجات سرمایه‌داری جهانی و نظام مبتنی بر بازار آزاد جلب می‌کند.

۲,۲ ارزیابی ویرایش و نگارش ترجمه کتاب

قطع کتاب، نوع، و اندازه قلم و صفحه آرایی مناسب است. صحافی کتاب خیلی مناسب نیست و شیرازه کتاب در همان روزهای اول مطالعه از هم گسسته شد. علاوه بر تعدادی از اصلاحات که در ترجمه تیرها باید اعمال شود زیرفصل‌ها نیز به لحاظ نسبت و جایگاه با تیر اصلی فصول باید بازآرایی شود. ویرایش ادبی از قبیل علائم سجاوندی و رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی در اثر رعایت شده است. معادل انگلیسی اسامی و اصطلاحات خاص در پاورقی ارائه شده است. اصول علمی ارجاع دهی در درون متن رعایت شده است. منابع مورد استفاده و توضیحات تکمیلی در قالب پی‌نوشت در انتهای کتاب و به تفکیک فصول ارائه شده و در انتهای کتاب نیز نمایه‌اعلام و اصطلاحات ارائه شده است.

۳,۲ مخاطبان کتاب

این کتاب در زمره کتاب‌های اقتصادسیاسی می‌گنجد و اولین کتاب از مجموعه *تقدسرمایه‌داری از درون* است که توسط انتشارات دنیای اقتصاد در قطع وزیری و در ۵۳۶ صفحه و با جلد شومیز در سال ۱۳۹۶ چاپ شده است. مترجم این کتاب آقای سجاد امیری است. سه کتاب دیگر در قالب این مجموعه توسط انتشارات دنیای اقتصاد ترجمه و چاپ شده است که عبارتند از: ^۳ *بازار آری، کاپیتالیسم نه. اقتصاد و آرمان شهر. سرمایه‌دار علیه سرمایه‌داری.*

از این کتاب می‌توان به عنوان کتاب کمک‌درسی برای درس نظام‌های اقتصادی دانشجویان رشته اقتصاد و درس اقتصادسیاسی رشته علوم سیاسی استفاده کرد، همچنین برای دانشجویان رشته‌های سیاست‌گذاری عمومی، حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت مالی، اخلاق کسب‌وکار، فلسفه اخلاق و حسابداری نیز قابل استفاده است.

۳. تحلیل و ارزیابی محتوای اثر

در این بخش از مقاله به بررسی محتوای کتاب بیکر می‌پردازیم.

۱,۳ بررسی سوال، هدف اصلی و نظم منطقی حاکم بر کتاب

بیکر هدف از تالیف این کتاب را مشارکت در اصلاح نظام بازار آزاد و برداشتن گامی مثبت برای تجدید و احیای ظرفیت‌های عظیم نظام سرمایه‌داری می‌داند. (بیکر ۱۳۹۶:۲۲) او معتقد است شالوده و ساختار نظام اقتصاد جهانی با نقص‌های بنیادی مواجه است. این مساله‌ای است که او در کتاب خود مورد کاوش قرار می‌دهد. (همان ۲۱) بیکر در مورد اهمیت مساله مورد بررسی خود در کتاب می‌نویسد:

طی چهل سال فعالیت در بیش از ۶۰ کشور دنیا، من نظاره‌گر روند نامشروع و فاسد نظام بازار آزاد بوده‌ام. همچنین تاثیر این رویکرد را بر زندگی مردم محروم ساکن در تمام شش قاره دیده‌ام و در این مساله تأمل کرده‌ام که چگونه این شرایط - بی‌قانونی و نابرابری شدید - از دل اصول و آموزه‌هایی برآمده است که آدم اسمیت مطرح کرده بود که اتفاقاً هدفش جلوگیری از بروز چنین پیامدهایی بود. (همان)

بیکر برای دست‌یابی به هدف خود در کتاب پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری، خواننده کتاب را دعوت به همراهی در مسیری می‌کند که هدفش زیر ذره‌بین قراردادن نظام بازار آزاد جهانی است. مسیری که با بررسی مبادلات نامشروع جزئی آغاز می‌شود و آنگاه تخلفات گسترده جنایتکاران، تروریست‌ها و شرکت‌های چندملیتی را پوشش می‌دهد. پس از آن به حوزه نابرابری‌های درآمدی جهانی ورود می‌کند که به واسطه شیوع تخلفات در سازوکار سرمایه‌داری بین‌المللی وخیم‌تر شده است. آنگاه نوبت به موشکافی شالوده‌های فلسفی می‌رسد که به نظر بیکر، توجیه‌کننده نقص‌های این نظام هستند و سرانجام او بحث خود را با ارائه راهکارهایی برای احیای سرمایه‌داری و گسترش پتانسیل‌ها و موهبات فراوان آن برای کل بشریت، جمع‌بندی و به اتمام می‌رساند. (همان ۱۱)

جمع‌بندی نهایی بیکر این است که می‌توان بر چالش‌های ناشی از سه مساله بی‌قانونی، فقر و فلسفه که به نظر او پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهند، فائق آمد. به نظر بیکر، اولاً اگر اراده سیاسی وجود داشته باشد می‌توان بی‌قانونی که به بازار آزاد جهانی رخنه کرده است را از طریق چند اقدام ساده متوقف نمود بدون این‌که به بهره‌وری و رشد آسیبی وارد شود. ثانیاً، می‌توان با تعهد نسبت به توزیع عادلانه ثروت، نابرابری را در راستای منافع هر دو قشر فقرا و اغنیا تا حد زیادی کاهش داد و سرانجام باید با تناقض بین اندیشه‌های پویایی که از دانشکده‌های فلسفه در آمریکا و اروپا برآمده‌اند و توجیهات متعصبانه برای وضع فعلی قوانین حامی بازار آزاد مواجه شد. (همان ۲۳)

۲,۳ بررسی مختصر بخش‌ها و فصول کتاب

ریموند بیکر محتوای کتاب را در قالب چهار بخش و سیزده فصل ارائه کرده‌است. سه بخش اول ناظر به پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری با محوریت پول‌کثیف است. در بخش‌های اول، دوم و سوم، سه چالش را مطرح می‌کند. یکی از این چالش‌ها متوجه بخش تجارت و بانکداری است. دومین چالش بانک جهانی و دیگر موسسات مالی بین‌المللی را نشان‌دهنده‌است و سومین چالش معطوف به اندیشمندان سراسر این کره‌خاکی است. و بخش چهارم به تجدیدبنا و احیای نظام بازار آزاد و مقاوم‌سازی نظام سرمایه‌داری در مقابل آسیب‌پذیری حاکم بر آن که در سه بخش اول کتاب در قالب پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری معرفی شده، اختصاص یافته‌است.

قبل از شروع بخش‌های چهارگانه، بیکر در فصل اول تحت عنوان «سرمایه‌داری جهانی، منجی یا یغماگر؟» به تبیین وجه تسمیه کتاب می‌پردازد. از منظر بیکر سه مقوله بی‌قانونی، فقر و فلسفه تحریف‌شده بر روی یک پیوستار (زنجیره) قرار می‌گیرند و همین نقایص ساختاری هستند که پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری را آشکار می‌کنند. (همان ۳۳) ماهیت و عملکرد حاضر سرمایه‌داری جهانی، ثبات و آینده این نظام متأثر از این سه مقوله است. (همان ۳۴) جمع‌بندی نهایی بیکر از فصل اول این است که «اگر قرار باشد سرمایه‌داری برای جمعیت میلیاردی روبه‌رشد دنیا منابع کافی فراهم آورد، ما باید با بی‌قانونی افسارگسیخته مبارزه کنیم، نابرابری را کاهش دهیم و ساختارهای حمایت‌گر بازار آزاد را بر مبنای اصول عدالت جهانی، دوباره پی‌ریزی کنیم.» (همان ۳۷)

۱,۲,۳ حلقه اول زنجیره پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری: بی‌قانونی

بخش اول کتاب تحت عنوان «بی‌قانونی؛ ما این پول را دوست داریم» در قالب فصول دوم تا چهارم، که تقریباً نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد به معرفی پول‌کثیف و تبیین مکانیزم ایجاد و جریان آن از کشورهای در حال توسعه و در حال‌گذار به کشورهای پیشرفته می‌پردازد.

بیکر در فصل دوم تحت عنوان «مشارکت در بازی» پول‌کثیف را این‌گونه تعریف می‌کند: «پول‌کثیف پولی است که به طور غیرقانونی تحصیل، منتقل یا خرج شده‌باشد.» (همان ۴۳) وی پول‌کثیف را به سه دسته تقسیم می‌کند: مجرمانه، فاسد و تجاری. «بخش مجرمانه، عواید حاصل از گستره بی‌کران فعالیت‌های شرورانه از جمله

اخذی، خرید و فروش کالاهای تقلبی و قاچاق، قاچاق انسان، تجارت برده، اختلاس، جعل اسناد، جعل اوراق بهادار، تقلب در کارت اعتباری، سرقت، سوءاستفاده جنسی، تن‌فروشی و نظایر آن را دربرمی‌گیرد.» (همان ۴۳) اجزای فاسد ریشه در رشوه‌گیری و دزدی‌های مقامات حکومتی دارد. (همان ۴۳) بخش تجاری پول‌کثیف در حوزه بین‌المللی دو ویژگی دارد که آن را از گردش‌های قانونی خروجی از کشور متمایز می‌کند: اول این که، معمولاً نوعی فرار مالیاتی است. دوم این که، در اسناد و بایگانی‌های کشور مبدا تقریباً ناپدید می‌شوند. (همان ۴۴) نکته جالب از نظر بیکر در مورد انواع پول‌کثیف این است که هر سه شکل پول‌کثیف از حیل‌های مشابهی برای گذر از مجاری بین‌المللی استفاده می‌کنند مانند: سندسازی قلابی، شرکت‌های صوری، بانک‌های صوری، بهشت‌های مالیاتی، پناهگاه‌های مالیاتی برون‌مرزی، قیمت‌گذاری کاذب، تبانی، حق حساب، حساب‌های بانکی بی‌نام، تغییر ماهیت مبادلات و نظایر آن. (همان)

فصل سوم کتاب بیکر تحت عنوان «جریان پول‌کثیف در عمل» بزرگترین فصل کتاب (تقریباً یک پنجم حجم کتاب) را تشکیل می‌دهد. بیکر در مورد مقصد پول‌های کثیف این پرسش و پاسخ را مطرح می‌کند: «به راستی پول‌ها کجا رفتند؟ در خزانه‌های غربی، جایی که به لطف و رازداری غربی‌ها نسبت به ثروتمندان جهان، به خوبی از قدیسان و شروران استقبال خواهد شد.» (همان ۸۴) سپس به تبیین مشارکت ریگن‌بانک، بینوشه، اویانگ، عربستان سعودی، نیجریه، اندونزی، پاکستان در فرایند تولید پول‌کثیف از نوع فاسد آن می‌پردازد. (همان ۸۶-۱۳۱) در ادامه به تشریح بخش مجرمانه پول‌کثیف در عمل و در قالب مواد مخدر، تهکاران و تروریست‌ها می‌پردازد. در این بخش به تبیین نقش افغانستان، کلمبیا و پرو در زمینه مواد مخدر می‌پردازد. (همان ۱۳۱-۱۴۷) سپس به سایر موارد مجرمانه پول‌کثیف در قالب فعالیت‌های مجرمانه بین‌المللی و گروه‌های تهکار بزرگ در کشورهای کره شمالی، ژاپن می‌پردازد. (همان ۱۴۷-۱۶۷) معرفی سازمان‌های تروریستی در سراسر دنیا مانند القاعده و عراق بخش پایانی موارد مجرمانه پول‌کثیف را شامل می‌شود. (همان ۱۶۸-۱۸۶) بخش پایانی فصل سوم به تشریح پول‌کثیف از نوع تجاری می‌پردازد و تجربه کنگو، چین، روسیه را در این زمینه بررسی می‌نماید. (همان ۱۸۷-۲۲۲)

بیکر در فصل چهارم تحت عنوان «رقام و کثیفی‌ها» این سوال را مطرح می‌کند که میزان واقعی پول‌کثیف چقدر است؟ بیکر معتقد است که ارزیابی از پول‌کثیف جهانی را به دو طریق می‌توان انجام داد: از بالا به پایین و از پایین به بالا. «مراد من از بالا به پایین تخمین

پول‌کثیف به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی جهانی است و منظورم از پایین به بالا محاسبه مجموع اجزای تشکیل دهنده آن است. (همان ۲۲۵) بر اساس رویکرد بالا به پایین و بر اساس این دیدگاه که پول‌شویی ۲ تا ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص می‌دهد (ادعای مایکل کامدسوس در سال ۱۹۹۸) و با در نظر گرفتن عدد ۳۲ تریلیون دلار برای تولید ناخالص داخلی جهانی، رقم کلی مبادلات حاوی پول‌کثیف تقریباً حدود ۶۴۰ میلیارد تا ۱,۶ تریلیون دلار در سال است. (همان ۲۲۶) برآورد بیکر بر اساس رویکرد پایین به بالا این است که مجموع پول‌های خروجی از کل کشورها یک تریلیارد دلار، سهم کشورهای در حال توسعه ۵۰۰ میلیارد دلار است. (همان ۲۳۹) بیکر در ادامه فصل چهارم به تلاش‌ها و اقدامات مبارزه با پولشویی از دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده با تصویب قانون کنترل پولشویی در ۱۹۸۶، تشکیل گروه ویژه اقدام مالی توسط گروه هفت در ۱۹۸۹، قانون میهن‌دوستی در ایالات متحده در ۲۰۰۱ و سایر قوانین بین‌المللی اشاره می‌کند و تجربه ناموفق ایالات متحده، بریتانیا و سوئیس را در این زمینه بررسی می‌کند و این‌طور جمع‌بندی می‌کند که این تلاش‌ها و اقدامات، انتقال پول‌های تظہیر شده را متوقف نکرده است و نرخ ناکامی ۹۹,۹ درصد بوده است. (همان ۲۳۹-۲۷۲) بیکر در انتهای فصل چهارم و در پایان بخش اول کتاب، طی یادداشتی خطاب به اهالی تجارت و بانکداران غربی، اولین چالش پیش روی نظام سرمایه‌داری که اولین حلقه از زنجیره پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد، بی‌قانونی‌های فراگیری اعلام می‌کند که از ویژگی‌های سرمایه‌داری جهانی شده است و آنها را دعوت به در نظر گرفتن هزینه‌های فراوان پول‌های کثیف در قالب موادمخدر، جنایت جهانی، تروریسم، فساد، کشورهای شکست خورده، کشورهای در حال تقلا، فقر شدید و جرایم شرکتی در کنار فایده ناشی از ورود پول‌های کثیف به کشورهای غربی می‌کند و معتقد است که هزینه پول‌های کثیف بسیار بیشتر از فایده‌های آن است و این امر سرمایه‌داری جهانی را تهدید می‌کند. (همان ۲۷۴-۲۷۹)

۲,۲,۳ حلقه دوم زنجیره پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری: نابرابری

بخش دوم کتاب تحت عنوان «نابرابری؛ شکاف اهمیت دارد» در قالب فصول پنجم، ششم و هفتم به پیوند بین پول‌کثیف و فقر و نابرابری جهانی می‌پردازد، پیوندی که از نگاه بیکر، حلقه دوم زنجیره تهدید کننده سرمایه‌داری است. بیکر در مورد اهمیت این حلقه

می‌نویسد: «از میان تمام ویژگی‌های سرمایه‌داری جهانی، چه خوب و چه بد، تنها واقعیتی که پتانسیل متلاشی‌کردن این ساختار را دارد، نابرابری است. این لغزش، عمارت این نظام را در هم فروخواهد ریخت.» (همان ۲۸۶)

بیکر در فصل پنجم تحت عنوان «واگرایی جهانی» چند پرسش اساسی مطرح می‌کند: اول، اینکه آیا معیارهای پولی و مالی، مبنایی مناسب برای ارزیابی فقر و نابرابری‌اند؟ دوم، آیا فقر جهانی در حال افزایش است یا کاهش؟ سوم، می‌پذیریم که روند حرکت فقر نامشخص است، در مورد نابرابری چه، آیا رو به افزایش است یا کاهش؟ پاسخ بیکر به این سه سوال به قرار زیر است: (۱) من هیچ اطمینانی ندارم که کدامیک از آمارهای پولی یا غیر پولی ارزیابی بهتری از فقر ارائه می‌دهند، (۲) هنوز نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد که فقر جهانی رو به کاهش است یا افزایش و (۳) داده‌های مدعی کاهش فقر جهانی یا افزایش آن، هر دو متفن نیستند. او سپس پرسش چهارم را این گونه مطرح می‌کند که: آیا رشد اقتصادی برای فقرای جهان مفید است؟ پاسخ بیکر این است که قطعاً رشد و توسعه متقابلاً ظرفیت منفعت رساندن به فقرا را دارند. پرسش پنجم: آیا جهانی‌سازی به معنای تجارت آزاد و گردش آزاد سرمایه برای فقرا سودمند است؟ پاسخ بیکر این است که گشودگی به تجارت و گردش سرمایه می‌تواند برای فقرا سودمند باشد اما این دسترسی به بازار آزاد اغلب به گردش برون‌مرزی پول کثیف فساد، مجرمانه و تجاری منتهی می‌شود که در نهایت منابع را مستقیماً از دسترس فقرا خارج خواهد کرد و طبقه فرودست جامعه را به زانو در خواهد آورد. (بیکر ۲۹۸-۳۰۸)

بیکر در انتهای فصل پنجم تلاش می‌کند نشان دهد که تمامی داده‌های مربوط به نابرابری و بیشتر داده‌های مربوط به فقر، ناقص و نادرستند. (همان ۳۱۲) او همچنین نشان می‌دهد که «تنها پول نامشروعی که سالانه از کشورهای فقیر خارج می‌شود، چند برابر کل پول متعلق به پنجک درآمدی انتهایی جهانی است.» (همان ۳۱۶)

بیکر در فصل ششم تحت عنوان «من نمی‌فهمم و به کسی نگو» به بررسی تاثیر کمک‌های خارجی و خروج پول کثیف بر کاهش فقر و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌پردازد و عملکرد بانک جهانی را این گونه زیر سوال می‌برد که بسیاری از افراد به ویژه در بانک جهانی، بر جوهی که به کشورهای فقیر وارد می‌شود متمرکز شده‌اند، مخصوصاً وام‌ها و کمک‌ها، و به پولی که از این کشورها خارج می‌شود و دست‌کم به بخش غیرقانونی آن توجه ندارند. (همان ۳۲۰) به نظر بیکر نگره داشتن پول کثیف در کشورهای

فقیر که به زعم او سالانه مبلغی حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است، در قیاس با هر اقدام دیگری که برای تقویت سلامت، آموزش، مصرف، سرمایه‌گذاری، رشد و به احتمال فراوان دموکراسی و ثبات اتخاذ شود، کارایی بیشتری دارد. (همان ۳۴۴) همچنین تاثیر نهایی ارسال کمک‌های خارجی و جذب پول‌کنیف توسط غرب، آسیب دیدن فقرای جهان است. (همان ۳۴۷)

بیکر در فصل هفتم تحت عنوان «اهمیت سهم ۷۰ تا ۹۰ درصدی ثروتمندان از کل درآمد جهانی» مدعی می‌شود که «ما قرن بیستم را با عدم توازن درآمدی شدید و رو به رشد پشت سر گذاشتیم. آیا می‌توانیم قرن بیست و یکم را نیز به همین صورت به پایان برسانیم؟ جمع‌بندی بیکر این است که: «این وضعیت نمی‌تواند تا پایان قرن بیست و یکم دوام داشته باشند. فشارهای حاصله-اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و حتی ژنتیکی- غیرقابل تحمل خواهند بود.» (همان ۳۵۴-۳۵۵)

بیکر در پایان فصل هفتم و انتهای بخش دوم، یادداشتی را خطاب به بانک جهانی در قالب چالش دومی که دومین زنجیره از پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد تحت عنوان: خروج غیرقانونی سرمایه از کشورهای در حال توسعه، ارائه می‌دهد (همان ۳۶۶) و معتقد است بانک جهانی پتانسیل این را دارد که مهم‌ترین نهاد در خدمت توسعه بشری در قرن بیست و یکم باشد. او همچنین تأکید می‌کند آینده سرمایه‌داری به کاهش فقر و نابرابری پیوند خورده است. (همان ۳۶۷)

۳,۲,۳ حلقه سوم زنجیره پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری: فلسفه تحریف شده

بیکر در بخش سوم کتاب تحت عنوان «عدم مطلوبیت؛ بتنام، اسمیت را ناکار می‌کند» در قالب فصول هشتم تا یازدهم به بررسی زیربنای فلسفی نظام سرمایه‌داری می‌پردازد. زیرا به زعم بیکر پذیرش نابرابری شدید و حتی ترویج آن نمی‌تواند در خلا فکری سربرآورد. بی‌قانونی شایع از جانب تاجران و بانکداران بدون مبنای فکری به وجود نخواهد آمد. (همان ۳۷۲) او سپس این گونه سوال می‌کند که: «چرا جهانی که ۷۰ تا ۹۰ درصد از کل درآمد آن به یک گروه مرفه ۲۰ درصدی تعلق دارد، برای ما قابل تحمل است؟ چرا ما نسبت به ساختارهای قانونی که موجب ابقای معاملات غیرقانونی شده و نابرابری را تشدید می‌کنند، بی‌تفاوتیم؟» (همان ۳۷۳) پاسخ بیکر به این پرسش‌ها این است: «به واسطه منحرف شدن از راه آدام اسمیت و درآغوش کشیدن جرمی بتنام» (۳۷۲) بیکر برای تبیین این

ادعای خود در فصول هشتم، نهم و دهم به بررسی شالوده‌های فلسفی نظام بازار می‌پردازد، عنصری اساسی که به نظر بیکر شاید مهمترین عنصر برای درک زنجیره فساد حاکم بر سرمایه‌داری است. (همان ۳۷۲)

بیکر در فصل هشتم تحت عنوان «رنج آدم/اسمیت» پس از مرور اجمالی بر زندگی آدم اسمیت و معرفی مختصر دو کتاب معروف او یعنی *نظریه احساسات اخلاقی* و *ثروت ملل* به تشریح مشکل یا مساله آدم اسمیت می‌پردازد. کتاب *عواطف اخلاقی* بر پایه دیدگاه اسمیت نسبت به همدردی به عنوان تنظیم‌کننده مهم رفتار انسانی بنا شده است، که موجب برانگیختن برازندگی، لیاقت، خیرخواهی و دوراندیشی در انسان‌های متشخص می‌شود. اما در *ثروت ملل* او نیروی برانگیزاننده دیگری را برای انسان اقتصادی معرفی می‌کند؛ نفع شخصی. (همان ۳۸۶) مشکل یا مساله آدم اسمیت از اینجا نشات می‌گیرد که *عواطف اخلاقی* بر مبنای همدردی و *ثروت ملل* بر پایه نفع شخصی بنا شده است. در جمع‌بندی فصل، بیکر در مورد وجه تسمیه عنوان فصل با تاکید بر این که علاقه اولیه اسمیت و تعهد اصلی او به فلسفه اخلاق بود، معتقد است که ما بازار آزاد او را اتخاذ می‌کنیم، اما اخلاقیاتش را فراموش می‌کنیم، دقیقاً همان چیزی که اسمیت نمی‌خواست اتفاق بیفتد. (همان ۳۹۳)

عنوان فصل نهم یعنی «شادمانی جرمی بتام» در تقابل با عنوان فصل هشتم قرار دارد که «رنج آدم/اسمیت» بود. بیکر در این فصل به بررسی نحوه تشریح فلسفه مطلوبیت‌گرایی توسط جرمی بتام و سپس تکامل این فلسفه در اندیشه جان استوارت میل می‌پردازد. پس از طرح ویژگی‌های فلسفه مطلوبیت‌گرایی و نقدهای وارد بر این فلسفه، بیکر تاکید می‌کند که فلسفه بتام تاثیرگذاری نظریه *عواطف اخلاقی* آدم اسمیت را کمرنگ کرد. (همان ۴۰۹)

بیکر در فصل دهم تحت عنوان «فلسفه، فرهنگ می‌شود» دنبال تبیین این نکته است که فلسفه به معنای واقعی می‌تواند به فرهنگ مبدل شود و فرهنگ به واقعیات اقتصادی. (همان ۴۱۲) او معتقد است که از اواخر سده ۱۷۰۰ تا اوایل سده ۱۹۰۰، فلسفه مطلوبیت‌گرایی در سرمایه‌داری نفوذ کرده و محاسبه فایده در اقتصاد جای خود را باز کرده است.

بیکر سپس به فرعی بودن عدالت در اندیشه مطلوبیت‌گرایی می‌پردازد و معتقد است که «مطلوبیت‌گرایی از همان آغاز، نقطه عزیمت خود را به خطا برمی‌گزیند. این دیدگاه با تاکید بر فایده، آن را بالاتر از انصاف قرار می‌دهد.» (همان ۴۲۵) فلسفه‌ای که در آغاز عدالت را نادیده می‌گیرد، به دشواری می‌تواند در انتها به عدالت منتهی شود. «همان گونه که

مارکسیسم انگیزه و تحرک را تضعیف می‌کند، مطلوبیت‌گرایی عدالت را به تحلیل می‌برد. (همان ۴۳۱) بیکر معتقد است که سرمایه‌داری باید عدالت را به عنوان یکی از تعهدات اصلی‌اش در خود جای دهد. بدون کنار گذاشتن مطلوبیت‌گرایی و مقدم‌شمردن عدالت، سرمایه‌داری در سال‌های پیش‌رو تشکیلات اقتصادی ناکارآمدی خواهد بود. (همان ۴۳۳)

در پایان فصل دهم و در انتهای بخش سوم، بیکر یادداشتی خطاب به فلاسفه، اقتصاددانان، نظریه‌پردازان سیاسی و اندیشمندان علوم اجتماعی درباره حلقه سوم زنجیره پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری می‌نویسد و آنها را دعوت می‌کند که بنیان‌های جدیدی برای سرمایه‌داری در قرن بیست و یکم ارائه دهند. (همان ۴۳۴)

۴،۲،۳ بررسی چگونگی تجدیدساختار نظام سرمایه‌داری جهانی

در بخش چهارم کتاب تحت عنوان «درست مدیریت کن؛ به سیستم اعتماد داشته باش» و در قالب فصول یازدهم، دوازدهم و سیزدهم، بیکر به بررسی نحوه تجدیدبنای نظام سرمایه‌داری جهانی می‌پردازد.

در فصل یازدهم تحت عنوان «پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری»، بیکر ضمن تشریح وضعیت موجود در نظام سرمایه‌داری جهانی، ضرورت و اهمیت تجدیدساختار در این نظام را مورد تأکید قرار می‌دهد. او تأکید می‌کند که بی‌قانونی شایع است، نابرابری شگفت‌آور است و فلسفه تحریف‌شده سنگ‌بنای هر دوی این پیامدهاست. این سه ویژگی سرمایه‌داری جهان امروز، بر روی پیوستاری قرار دارند، که در آن هر کدام از این عناصر به طور نامحسوسی به درون دیگری جریان‌پیدامی‌کند. این پیوستار تهدیدی برای پیشرفت جهانی محسوب می‌شود و در قرن بیست و یکم نیاز است که این سه واقعیت اصلاح شوند و پیوند بین آنها گسسته شود. (همان ۴۴۶) بیکر به نقش نهادهای جهانی در این زمینه اشاره می‌کند: ما تشکیلات یکپارچه‌ای از نهادها و سازوکارها را ایجاد کرده‌ایم که به منظور فریب‌دادن و کلاهبرداری از هم‌نوعان خود در جامعه جهانی و ظفره‌رفتن از مسئولیت‌هایمان در قبال ملت خود و دیگر ملل طراحی شده است. قاچاقچیان مواد، تبهکاران، تروریست‌ها، مقامات فاسد، شرکت‌ها، مدیران عامل و فرارکنندگان مالیاتی از این تشکیلات بهره می‌برند. ابزارهایی که به کار گرفته می‌شوند و کسانی که از این ابزارها استفاده می‌کنند نظام سرمایه‌داری را تحلیل می‌برند. (همان ۴۴۷) او در مورد سهم و نقش کشورهای غربی در این وضعیت معتقد است ثروتمندترین کشورها بزرگترین اشاعه‌دهندگان بی‌قانونی در حوزه

تجاری و مالی دنیا هستند. در فرایندی که در پوشش کسب‌وکاری مطلوب و مساعد جلوه می‌کند، پول نامشروع به میزان تریلیون‌ها دلار به راحتی در گردش است. این پول به مدد سازوکار طراحی شده توسط کشورهای غربی به گردش درمی‌آید تا سالانه صدها میلیارد دلار را وارد خزانه‌های غربی کند. (همان ۴۴۷) بیکر ریشه همه این مسائل را در فلسفه مطلوبیت‌گرایی می‌داند و بر این باور است که سرمایه‌داری با داشتن مطلوبیت‌گرایی در کنار خود، می‌تواند فقر و نابرابری را توجیه کند و حتی هر جا که نیاز به برآورده کردن اهداف پیشینه‌سازی خودساخته و خودمدارش داشته باشد، بهانه‌ای برای طفره رفتن از قانون را فراهم آورد. (همان ۴۵۰) «سرمایه‌داری به شیوه‌ای که امروزه اعمال می‌شود، بی‌عدالتی را گسترش می‌دهد.» (همان ۴۴۹)

بیکر در فصل دوازدهم تحت عنوان «گسترش رفاه» به ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی خود برای رفع معضلات جدی که امروزه سرمایه‌داری جهانی آشکارا با آن مواجه است می‌پردازد. او معتقد است برای رفع سه معضل موجود در امتداد زنجیره تهدیدکننده سرمایه‌داری تنها مساله عزم و اراده مطرح است. به نظر او تنها در صورتی که اراده لازم وجود داشته باشد، می‌توانیم اعمال نامشروع را متوقف کنیم. فقر و نابرابری را می‌توان با پیاده‌سازی درست نظام بازار تقلیل داد. «شالوده‌های فلسفی تحریف‌شده سرمایه‌داری را می‌توان با رویکردی جدید و تمرکز بر عدالت که از پشت دیوار فضاهاى آکادمیک در حال پدیدار شدن است، جایگزین کرد.» (همان ۴۵۱)

مطالب فصل دوازدهم در سه قسمت ارائه شده است: اول، مبارزه با بی‌قانونی و نابرابری. دوم، تجدیدساختار بانک جهانی و سوم، مقدم قرارداد عدالت. در مورد مبارزه با بی‌قانونی و نابرابری چند نکته را مورد تاکید قرار می‌دهد. بیکر معتقد است با توجه به برآورد ۵۰۰ میلیارد دلاری عواید غیرقانونی خروجی از کشورهای فقیر، بهترین کاری که غرب می‌تواند برای بقیه جهان انجام دهد، جلوگیری کردن از این جریان است، که نتیجه‌اش باقی ماندن سالانه صدها میلیارد دلار در کشورهای فقیر است و می‌توان آن را صرف ترویج سرمایه‌گذاری، تقویت تجارت، بهبود روند جمع‌آوری مالیات، آموزش و سلامت، کاهش فقر و ثبات بخشیدن به کشورهای ضعیف کرد. (همان ۴۵۱-۴۶۵)

بیکر در مورد تجدیدساختار بانک جهانی معتقد است که مدیران اجرایی بانک جهانی باید متحول شوند. در میان این مدیران و دیگر مقامات ارشد باید جامعه‌شناسان، عالمان سیاسی، روان‌شناسان و حتی فلاسفه بیشتری حضور داشته باشند، افرادی که گستره وسیع‌تری از

پرشش‌های توسعه‌ای را مطرح خواهند کرد، بیشتر از آنچه بانک‌جهانی تا به امروز ارائه کرده است. (همان ۴۷۴)

بیکر در مورد تقدم عدالت، پس از ارائه مختصری از اندیشه‌های جان رالز و توماس پوگ در زمینه عدالت و عدالت جهانی، این گونه فصل دوازدهم را جمع‌بندی کرده و تاکید می‌کند بزرگترین چالش رهبران فردا در حوزه کسب‌وکار، حقوق، اقتصاد و همچنین سیاست، گذار از مطلوبیت‌گرایی به عدالت است. (همان ۴۸۲)

بیکر در آخرین فصل کتاب یعنی فصل سیزدهم تحت عنوان «حیای سرمایه‌داری» در پاسخ به این سوال که چرا باید به احیای سرمایه‌داری متعهد باشیم؟ بیکر سه دلیل یا ترکیبی از دلایل را لازمه تغییر سرمایه‌داری می‌داند: ترس، انسانیت و منافع شخصی. اولین دلیل برای تغییر، ترس است. «گردش‌های مالی نامشروع، تحریف شده و مخفی محیطی سرشار از ریسک برای حامیان سرمایه‌داری ایجاد کرده و در مقابل از میزان ریسک‌های پیش‌روی جنایتکاران و تبهکاران می‌کاهد. از این رو، خود سرمایه‌داری با ریسکی مواجه است که ممکن است اعتبارش را لکه‌دار کند.» (همان ۴۸۴) دومین دلیل تغییر، حس بشردوستی است. بیکر معتقد است که شکاف عظیم بین فقیر و غنی بنیان‌های مشترک انسانی ما را به خطر می‌اندازد و کوشش‌های ما برای رسیدن به رفاه گسترده و مشترک را تحلیل می‌برد. (همان ۴۸۶) از نظر بیکر الزام‌آورترین و مجاب‌کننده‌ترین انگیزه برای تغییر، نفع شخصی است زیرا «حفاظت از سرمایه‌داری به نفع ماست. هیچ چیزی به اندازه مشوق‌ها و انگیزه‌هایی که درون بازار آزاد در جریانند، در آزاد کردن نیروی انسانی کارآمد نیست. سرمایه‌داری اگر درست به اجرا درآید و به نظامش اعتماد داشته باشیم، می‌تواند موجب ترقی کل بشریت شود.» (همان ۴۸۷)

بیکر در ادامه فصل سیزدهم، موضوع تقدم عدالت را این گونه مطرح می‌کند که آینده سرمایه‌داری چه در نظر و چه در عمل به عدالت گره خورده است. فرودستی عدالت تحت تفاسیر بنیادی مطلوبیت‌گرایی به پایان راه خود رسیده است، و سرمایه‌داری باید مبانی جدیدی را جایگزین کند که سنگ بنایش تقدم عدالت به عنوان تعهد نخستین باشد. (همان ۴۸۸) او همچنین معتقد است که عدالت راهبردی در مسیر رشد است. جهان عادلانه‌ای که قدرت خرید و رفاه را به میلیون‌ها انسان دیگر اعطای کند، در مقایسه با جهانی ناعادلانه که دائم منابع را به شکل غیرقانونی در اختیار ثروتمندان قرار می‌دهد، نرخ رشد سریع‌تر و تولید ناخالص بالاتری خواهد داشت. بیکر تصریح می‌کند که «در اولویت

قراردادن عدالت می‌تواند به بیشینه‌کردن سود بیانجامد، اما مقدم‌انگاشتن سود و فایده نمی‌تواند به بیشینه‌کردن عدالت منتهی شود.» (همان ۴۸۹)

بیکر در جمع‌بندی فصل آخر کتاب تصریح می‌کند که اصلاح و احیای سرمایه‌داری باید به گسترده‌ترین عرصه - جامعه جهانی - تعمیم پیدا کند. او در مسیر احیای جهانی سرمایه‌داری، سه نقطه هدف را مطرح می‌کند: اولین نقطه هدف این است که بزرگترین حامی نظام بازار آزاد، یعنی ایالات متحده قوانینی را تصویب کند که براساس آن وجوه خارجی همانند وجوه داخلی تلقی شده و با آنها برخورد یکسانی شود. (همان ۴۹۱) نقطه هدف دوم به بانک جهانی مربوط می‌شود. هنگامی که بانک جهانی کل معادله مالی کاهش فقر و پیشرفت اقتصادی را صادقانه و شفاف در دستور کار خود قرار دهد، مسئله فقر و نابرابری جهانی با چرخشی اساسی مواجه خواهد شد. بانک باید بدون ترس و جانب‌داری، بدون تهدید شدن از جانب اهالی بخش مالی یا دولت‌های غربی به این کار مبادرت ورزد. (همان ۴۹۲) سومین نقطه هدف زمانی قابل دستیابی خواهد بود که دانشجویان بیشتری با درک این موضوع از دانشگاه‌ها و مدارس عالی فارغ‌التحصیل شوند که جهانی که در آن زندگی می‌کنیم نتیجه انتخاب‌ها و تصمیم‌هایی است که تاکنون اتخاذ کرده‌ایم و بدیل‌هایی برای تغییر آن موجود است. جهانی که غرق در فلسفه‌ای شده که عدالت را به گوشه‌ای رانده است، می‌تواند با جهانی جایگزین شود که عدالت را در مرکز قرار دهد. (همان ۴۹۲)

۳،۳ تحلیل درونی و نقد جایگاه اثر

درباره ضرورت انجام اصلاحات و تغییرات در نظام سرمایه‌داری، حامیان و مدافعان نظام سرمایه‌داری دیدگاه‌های مختلفی تاکنون ارائه کرده‌اند. ریموند بیکر در کتاب *پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری*، از یکسو به عنوان یک مدافع و حامی سرسخت نظام سرمایه‌داری، با تاکید بر استفاده از نام نظام بازار آزاد به جای سرمایه‌داری سعی بر نشان‌دادن پیامدهای مثبت این نظام در ایجاد رشد و رونق اقتصادی در اقتصاد جهانی دارد و از سوی دیگر به عنوان یک مدافع حقوق بشر مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، با تاکید بر پول‌کنیف به عنوان محور اصلی پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری (زنجیره سه حلقه‌ای بی‌قانونی، نابرابری و فلسفه تحریف‌شده) سعی بر پررنگ‌نشان‌دادن آسیب‌پذیری‌های نظام سرمایه‌داری، مخصوصاً در قرن بیست و یکم دارد و همه حامیان این نظام را به اصلاح و احیای قابلیت‌های مثبت نظام سرمایه‌داری و کاهش نقاط ضعف این نظام دعوت می‌کند.

یکی از نقاط قوت بیکر در این کتاب، معرفی زنجیره سه حلقه‌ای یا پیوستار بی‌قانونی، نابرابری و فلسفه تحریف‌شده به عنوان پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری است که تقریباً پوشش‌دهنده مهم‌ترین انتقادات سایر منتقدین نظام سرمایه‌داری اعم از حامیان و مخالفان این نظام است. تاکید بر نهادهای اقتصادی موجود در این نظام، مخصوصاً نهاد حقوق مالکیت، تاکید بر پیامدهای نهاد حقوق مالکیت خصوصی در زمینه توزیع درآمد و نابرابری و نقد مبنای فلسفی نظام سرمایه‌داری در نوشته‌های سایر منتقدان و حامیان سرمایه‌داری مانند آدام اسمیت، کارل مارکس، شهید صدر، جان رالز، جوزف استیگلیتز، داگلاس نورث، توماس پیکتی، هرماندو دسوتو، رابرت برو، الینور آستروم و عجم‌اوغلو مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به نقد دیدگاه‌های بیکر براساس برخی از نظرات سایر منتقدان و حامیان نظام سرمایه‌داری می‌پردازیم.

۱,۳,۳ ارزیابی تاکید بیکر بر نواقص موجود در نهادهای اقتصادی ملی و بین‌المللی

بیکر به درستی منشا اصلی ایجاد، انتقال و مصرف پول‌کنیف در نظام مالی بین‌المللی را در نهادهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه، توسعه‌یافته و اقتصاد جهانی مطرح می‌کند. تحصیلات دانشگاهی بیکر در رشته مدیریت بازرگانی بوده و تجربیات عملی زیادی در زمینه پول‌کنیف داشته است لذا حجم وسیعی از کتاب به ارائه شواهد عینی در این زمینه اختصاص یافته است. بیکر می‌توانست با کاهش بخش اول کتاب که تقریباً نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده و همچون دستورالعمل و راهنمایی برای افراد علاقمند به ورود به کسب و کار پول‌کنیف عمل می‌کند و به سوالاتی که با چگونه شروع می‌شود پاسخ داده و شواهد تجربی کافی برای چگونگی گردش پول‌کنیف در اقتصاد جهانی ارائه کرده است، به ارائه دلایل نظری کافی برای وقوع بی‌قانونی براساس نظریه‌ها و دیدگاه‌های اقتصاددانان نهادگرا می‌پرداخت و مقداری از بخش اول را به سوالاتی از قبیل این که چرا پول‌کنیف ایجاد، منتقل و مصرف می‌شود براساس مبانی نظری اقتصاد نهادگرایی اختصاص می‌داد. در ادامه برخی از دیدگاه‌های اقتصاددانان را براساس تحلیل نهادهای اقتصادی مطرح می‌کنیم که می‌تواند به عنوان مبانی نظری پدیده پول‌کنیف استفاده شود.

داگلاس نورث، نهادها را محدودیت‌های بشری مشتمل بر قوانین و مقررات رسمی و غیررسمی می‌داند که نحوه تعامل انسان‌ها و ساختار انگیزشی جوامع و به‌طور خاص اقتصاد را سازماندهی می‌کنند. نورث معتقد است که «سازمان‌هایی که بوجود می‌آیند فرصت‌های

ارائه شده توسط ماتریس نهادی را منعکس می‌کند یعنی اگر چارچوب نهادی به دزدی دریایی پاداش می‌دهد، سازمان‌های دزدی دریایی به وجود می‌آیند و اگر چارچوب نهادی، فعالیت‌های تولیدی را پاداش می‌دهد، سازمان‌هایی به وجود می‌آیند که درگیر فعالیت‌های تولیدی باشند.» (North ۱۹۹۴) بنابراین مکانیزم انگیزشی موجود در نهادهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نیز در نظام مالی بین‌المللی زمینه پیدایش و گسترش پول‌کثیف را فراهم نموده است.

رابرت برو با نقد سیاست خارجی ایالات متحده مخصوصاً در زمان وزارت خارجه مادالین آلبرایت مبنی بر مقدم بودن توسعه دموکراسی بر توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، تاکید می‌کند که اجرای حاکمیت قانون - حقوق مالکیت و بازارهای آزاد - مقدم بر دموکراسی است زیرا این ویژگی‌های نهادی برای رشد اقتصادی اهمیت بیشتری دارند. البته در بلندمدت، حاکمیت قانون گرایش به ایجاد دموکراسی پایدار بوسیله توسعه اقتصادی دارد. (Barro ۲۰۱۳)

عجم اوغلو در کتاب *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند* دو دسته از نهادهای اقتصادی را از یکدیگر تفکیک می‌کند: نهادهای فراگیر و نهادهای بهره‌کش. منظور از نهادهای فراگیر، اعم از نهادهای سیاسی و اقتصادی، نهادهایی است که امکان فعالیت آزاد را برای همه شهروندان فراهم می‌کنند. نهادهای بهره‌کش در نقطه مقابل قرار دارند و راه ورود عموم را به قدرت سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی می‌بندند و این مزایا را در اختیار نخبگان خاص قرار می‌دهند. (عجم اوغلو، ۱۵) نهادهای اقتصادی فراگیر موجب تقویت حقوق مالکیت شده و زمینه‌ای فراهم می‌کنند که باعث تشویق سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های جدید و مهارت‌های جدید شده و این امر منجر به رشد اقتصادی خواهد شد. نهادهای اقتصادی بهره‌کش که ساختار آنها در جهت بهره‌گیری منابع برای گروهی خاص است در حفظ حقوق مالکیت ناکام می‌مانند و نمی‌توانند چنین رشدی به وجود آورند. زیرا با حضور چنین نهادهایی انگیزه کافی برای فعالیت اقتصادی وجود نخواهد داشت. (عجم اوغلو، ۵۱)

با توجه به دیدگاه‌های فوق متوجه می‌شویم که مکانیزم انگیزشی حاصل از نهادهای اقتصادی می‌تواند زمینه پیدایش پول‌کثیف، اقتصاد غیررسمی و فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد را فراهم کند. نکته مهمی که در زمینه نهادهای اقتصادی مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان نهادهای اقتصادی را به نحوی تغییر داد که انگیزه فعالیت اقتصادی مولد، قانونی، رسمی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورهای در حال توسعه

فراهم‌کند؟ پاسخ‌های متعددی توسط اقتصاددانان نهادگرایی چون داگلاس نورث، عجم اوغلو و ویلیامسون به این سوال داده شده است. یکی از قابل‌تأمل‌ترین پاسخ‌ها توسط خانم الینور آستروم داده شده است. ایشان معتقدند به رغم وجود نهادهای اقتصادی متنوع و غیرجهان‌شمول در کشورهای مختلف که متأثر از شرایط سیاسی، حقوقی، فرهنگی و تاریخی آنهاست می‌توان اصول و قواعدی جهان‌شمول برای طراحی نهادهای اقتصادی ارائه کرد. خانم آستروم در کتاب *فهم تنوع نهادی*، ۸ اصل برای طراحی نهادهای اقتصادی ارائه می‌کند. (استروم، ۲۰۰۵) البته در مورد نهادهای اقتصادی بین‌المللی لازم است طراحی این نهادها با مشارکت برابر و منصفانه همه کشورها و بدون در نظر گرفتن امتیازهای ویژه‌ای مانند حق و تو و تاثیرپذیری از قدرت‌های سیاسی و اقتصادی انجام شود. بنابراین برای حفظ عدالت در گستره بین‌المللی، تجدیدساختار سازمان‌های بین‌المللی باید در دستور کار قرار داده شود.

۲,۳,۳ ارزیابی تاکید بیکر بر نابرابری به عنوان حلقه دوم زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری

بیکر در بخش دوم کتاب به درستی بر نابرابری به عنوان مهمترین پیامد بی‌قانونی و پدیده پول‌کثیف و دومین حلقه از زنجیره پاشنه آشیل سرمایه‌داری اشاره می‌کند. وی به خوبی واقف است که پدیده نابرابری، پدیده‌ای چندعلتی است و بر بی‌قانونی به عنوان یکی از دلایل وقوع نابرابری در اقتصادهای ملی و جهانی می‌پردازد. ولی بهتر بود بیکر ضمن تقویت مبانی نظری مربوط به نابرابری به تحلیل مختصر تاثیر سایر عوامل موثر بر پیدایش نابرابری مانند شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی، نقش نظام‌های سیاسی استبدادی و دیکتاتوری، تاثیر استعمار، انقلاب‌های صنعتی، جنگ‌های نظامی و اقتصادی نیز می‌پرداخت. مراجعه به کتاب‌های *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند* نوشته عجم اوغلو، *بهای نابرابری* نوشته جوزف استیگلیتز، *سرمایه در قرن بیست و یکم* نوشته توماس پیکتی، برخی از دلایل گسترش نابرابری در اقتصاد جهانی و نیز اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون ایالات متحده را تبیین نموده و پیشنهادات سیاستی در زمینه اصلاح نهادهای اقتصادی ملی و بین‌المللی ارائه می‌کند.

۳,۳,۳ ارزیابی مبانی فلسفی تحریف‌شده به عنوان سومین حلقه از پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری

بیکر به رغم این که در رشته مدیریت بازرگانی تحصیل کرده و بخش زیادی از عمر خود را به تجارت و بازرگانی بین‌المللی صرف کرده‌است در بخش سوم کتاب خود مانند یک صاحب‌نظر در زمینه فلسفه اخلاق به تحلیل مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری و مبانی اخلاقی توجیه‌کننده بی‌قانونی و نابرابری در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته می‌پردازد. بیکر با بررسی پیشینه مبنای فلسفی نظام سرمایه‌داری در اندیشه آدام اسمیت، به نحوه از صحنه‌برد کردن فلسفه اخلاق مبتنی بر حقوق طبیعی اسمیت توسط بن‌تام پس از طرح نظریه فلسفی مطلوبیت‌گرایی بتامی اشاره می‌کند و سپس به تبیین نحوه نفوذ اندیشه مطلوبیت‌گرایی در علم اقتصاد و مخصوصاً مکتب اقتصاد نئوکلاسیک می‌پردازد. او به خوبی فلسفه حاکم بر سرمایه‌داری جهانی را مطلوبیت‌گرایی اعلام می‌کند و برای اصلاح مبنای فلسفی نظام سرمایه‌داری جهانی توجه به مفهوم عدالت جهانی بر اساس نظریه عدالت جان رالز و توماس پوگ را پیشنهاد می‌کند.

بیکر به خوبی دو سنت فلسفی مبتنی بر حقوق طبیعی و مطلوبیت‌گرایی را در مقابل هم قرار می‌دهد. کار بیکر کاملتر خواهد شد اگر به ریشه‌های فلسفی انسان‌شناسی این دو سنت در قرن هفدهم در آراء فلاسفه سیاسی مانند توماس هابز و نیز جان لاک بپردازد. همچنین بهتر بود که بیکر به نقش حقوق مالکیت خصوصی به عنوان پایه اصلی نهادی نظام سرمایه‌داری اشاره کند و نقش این نهاد در مفاهیمی مانند آزادی اقتصادی و عدالت اقتصادی بررسی کرده و تاثیر این نهاد را بر نابرابری موجود در نظام سرمایه‌داری بر اساس اندیشه‌های متفکرانی مانند آدام اسمیت، دیوید هیوم، کارل مارکس، میلتون فریدمن و فون هایک نیز مورد توجه قرار می‌داد.

۴. نقد روزآمدی محتوای اثر

ریموند بیکر در کتاب پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری بر اساس تجربیات عملی خود در تجارت و بازرگانی و مبتنی بر مطالعات نظری خود در زمینه پول‌کتیف، نابرابری و مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری نوآوری‌های زیر را ارائه نموده‌است:

۱. آموزش جزئی و کاربردی پدیده پول‌کثیف به خوانندگان کتاب به نحوی که برخی از مرورکنندگان کتاب در این زمینه اظهارنگرانی کرده‌اند که ممکن است این کتاب «تبدیل به یک دفترچه راهنمای آموزش پول‌شویی» شود. (Partony ۲۰۰۵)
۲. نشان‌می‌دهد و محاسبه‌می‌کند که پدیده پول‌کثیف سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد دلار از اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته به سمت اقتصادهای توسعه‌یافته منحرف‌می‌نماید. او معتقد است این رقم، ده برابر کل مقدار کمک‌های خارجی از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه است.
۳. نقش سازمان‌ها و نهادهای تخصصی مالی را در عملیات پدیده پول‌کثیف مستند می‌کند و معتقد است که این پدیده بدون مشارکت فعال و زیرکانه نهادهای مالی بزرگ و متخصصان حرفه‌ای سطح بالا شامل حسابداران، وکلا و مشاوران مالی پایدار نخواهد بود.
۴. نشان‌می‌دهد که فرهنگ فراگیر مطلوبیت‌گرایی این پدیده را تغذیه‌می‌کند. او ادعا می‌کند که مطلوبیت‌گرایی در شیوه‌زندگی، کار و تفکر جوامع اروپایی و آمریکایی تعبیه شده است. او همچنین معتقد است که دقیقاً همان‌گونه که مارکسیسم انگیزه را تضعیف‌می‌کند، مطلوبیت‌گرایی نیز عدالت را تضعیف‌می‌کند. به همین دلیل باید یک مبنای فلسفی جایگزین ارائه‌شود تا سرمایه‌داری بتواند پتانسیل کامل خود را تحقق‌بخشد همان‌طور که به عنوان یک سیستم، ثابت شده است که قادر به خلق ثروت زیادی است.
۵. سیاست و دلالت‌های سیاسی رونق پدیده پول‌کثیف را نشان‌می‌دهد.
۶. درخواست کمک از سیاست‌گذاران و دانشگاهیان. بیکر طی سه یادداشت، اولاً فیلسوفان، اقتصاددانان، نظریه‌پردازان سیاسی و دانشمندان علوم اجتماعی را مخاطب قرار می‌دهد. ثانیاً، انجمن‌های تجاری و بانکی غربی را مخاطب قرار می‌دهد. و در یادداشت سوم خود بانک جهانی را مخاطب قرار می‌دهد.
۷. پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری بخش پایانی را به بحث درباره درمان‌های این پدیده اختصاص می‌دهد.
۸. یکی دیگر از نقاط قوت کتاب بیکر تعمیم نگاه خود درباره نظام سرمایه‌داری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با طرح مفهوم سرمایه‌داری جهانی به اقتصاد جهانی است. همین امر موجب شده که ایشان برای احیای سرمایه‌داری، اصلاح نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را بر مبنای مفهوم عدالت جهانی مطرح شده توسط جان رالز و

توماس پوگ پیشنهاد نماید و به صورت خاص سیاستمداران آمریکا، بانک جهانی و دانشگاهیان سراسر جهان را به این امر دعوت نماید.

برخی از مواردی که در کتاب پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری جایشان خالی است و افزودن آنها می‌تواند به غنای علمی و پژوهشی کتاب بیکر کمک نماید به شرح زیر است:

۱. بیکر در تبیین عوامل موثر بر پیدایش پول‌کثیف در سرمایه‌داری بر بی‌قانونی تأکید می‌کند و ارتباط بی‌قانونی با نهادهای قراردادی موجود در نظام مالی جهانی را تشریح می‌کند ولی رابطه بین بی‌قانونی و حقوق مالکیت خصوصی و در نتیجه عدالت را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. مطالعه کارهای استیگلیتز، پیکتی و هایک در این زمینه توصیه می‌شود.

۲. بیکر بر مبنای فلسفی تحریف‌شده نظام سرمایه‌داری تأکید می‌کند ولی مکانیزم طراحی نهادهای اقتصادی برانگیزاننده فعالیت‌های غیرقانونی و مولد پول‌کثیف را مورد تحلیل قرار نمی‌دهد. مطالعه کارهای خانم الینور آستروم، داگلاس نورث و عجم اوغلو در این زمینه مفید است.

۳. بیکر بر فلسفه مطلوبیت‌گرایی به عنوان مبنای اخلاقی توجیه‌کننده نابرابری و بی‌قانونی و لذا بی‌عدالتی در سرمایه‌داری جهانی اصرار می‌ورزد و ریشه‌های این فلسفه را در قرن هجدهم و در اندیشه‌های جرمی بنتام دنبال می‌کند ولی زمینه‌های اولیه این فلسفه را در قرن هفدهم و در آثار توماس هابز دنبال نمی‌کند.

۴. بیکر بر فلسفه حقوق طبیعی در اندیشه آدم اسمیت تأکید می‌کند ولی تأثیر این فلسفه بر مفهوم عدالت و پیامدهای حقوق مالکیت خصوصی بر نابرابری را در اندیشه اسمیت بررسی نمی‌کند. ضمن این که ریشه‌های فلسفه حقوق طبیعی را در اندیشه‌های فیلسوف سیاسی قرن هفدهم یعنی جان لاک مورد بررسی قرار نمی‌دهد. آدم اسمیت واقف به پیامدهای نابرابری ناشی از مالکیت خصوصی بود ولی در عین حال آن را برای فقرا بهتر از مالکیت اشتراکی می‌دانست. (نوراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۸۴)

۵. بیکر بر نابرابری به عنوان پیامد مهم بی‌قانونی و پول‌کثیف تأکید می‌کند ولی به سایر عوامل موثر بر نابرابری در اقتصاد جهانی مانند استبداد و دیکتاتوری، استعمار، انقلاب‌های علمی و جنگ‌های نظامی و اقتصادی اشاره‌ای نمی‌کند.

۶. بیکر دورشدن از فلسفه اخلاق در دوران پس از اسمیت تا نیمه دوم قرن بیستم و تألیف کتاب نظریه عدالت جان رالز را به نفوذ و حاکمیت فلسفه مطلوبیت‌گرایی در علم

اقتصاد نسبت می‌دهد در حالی که برخی از صاحب‌نظران معتقدند یکی از دلایل دور شدن علم اقتصاد از مباحث فلسفی و اخلاقی، واکنشی بود که اقتصاددانان نئوکلاسیک به حمله مارکس نسبت به نظام سرمایه‌داری و اندیشه‌های اقتصادی مکتب کلاسیک وارد نمود. (نوراحمدی، ۱۳۹۲: ۲۷۱)

۷. بیکر نظریه عدالت جهانی جان رالز و توماس پوگ را به عنوان جایگزین مناسبی برای فلسفه مطلوبیت‌گرایی جهت اصلاح نظام سرمایه‌داری معرفی می‌کند ولی در مورد منتقدین جدی نظریه عدالت رالز در بین لیبرترین‌هایی مانند فریدمن، هایک، میز و نوزیک کمتر به بحث می‌پردازد.

۸. به طور خلاصه می‌توان گفت به غیر از بخش سوم، دو بخش اول و دوم کتاب که به بررسی بی‌قانونی و نابرابری در سرمایه‌داری جهانی می‌پردازد نیازمند ارائه مبانی نظری دارد. ضمن این که مبانی نظری بخش سوم درباره فلسفه تحریف شده نیز مستلزم تقویت و افزایش استحکام استدلال‌های مطرح شده است.

۵. نقد ترجمه متن

در زمینه استفاده از معادل‌های مناسب فارسی برای اصطلاحات تخصصی و عمومی انگلیسی، به طور کلی مترجم کتاب موفق بوده است. در عین حال، برخی از پیشنهادات اصلاحی برای تعدادی موارد جهت استفاده در چاپ‌های بعدی کتاب به شرح زیر است. ترجمه و اصلاح پیشنهادی داخل گیومه ارائه شده است.

اولین واژه‌ای که به نظر می‌رسد نیازمند بازنگری است در عنوان کتاب قرار دارد. پیشنهاد می‌شود به جای کلمه «احیای نظام» از «تجدید ساختار نظام» استفاده شود. زیرا منظور نویسنده کتاب ایجاد تغییرات نهادی و اصلاح مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری است. تنها در یک صورت می‌توان از کلمه احیا استفاده نمود که منظورمان احیای سرمایه‌داری مورد نظر آدام اسمیت باشد که در طی دو بیست و پنجاه سال اخیر از مسیر مورد نظر اسمیت، هم از جهت نهادی هم از منظر فلسفه اخلاق فاصله گرفته است.

تیترا فصل اول در صفحه ۲۵ به جای «سرمایه‌داری جهانی، منجی یا یغماگر» به «سرمایه‌داری جهانی، ناجی یا غارتگر» تغییر یابد. در صفحه ۴۵ به جای تیترا «راهنمای کاربرد پول کثیف» بهتر است «راهنمای استفاده‌کنندگان از پول کثیف» جایگزین شود. در تیترا صفحه ۱۸۷ به جای «برگ برنده» باید از «پول قانونی یک کشور» استفاده نمود. تیترا

صفحه ۲۵۰ تحت عنوان «پیگرد پول تروریسم» با «تعقیب پول تروریست‌ها» جایگزین شود. در صفحه ۲۹۸ بهتر است به جای تیتراژ «جهان بی ثبات» از «جهان نامطمئن» استفاده نمود. به جای اصطلاح «پیوستار» در صفحه ۳۱۷ و سایر قسمت‌های کتاب، معادل «زنجیره» با مفهوم مورد نظر نویسنده هماهنگی بیشتری دارد. به جای تیتراژ «فرجام نامشخص فساد» مناسب تر است از «سرانجام فساد» استفاده شود. در صفحات ۲۷۸، ۳۶۶ و ۴۳۴ به جای اصطلاح «تذکاریه» از «نامه غیررسمی» یا «یادداشت» استفاده شود. بهتر است تیتراژ بخش سوم در صفحه ۳۶۹ از «بتنام اسمیت را ناکار می‌کند» به «بتنام اسمیت را از میدان بدر می‌کند» یا «مغلوب می‌کند» تغییر یابد. به جای تیتراژ فصل هشتم در صفحه ۳۷۵ «رنج آدم اسمیت» از «غم و اندوه آدم اسمیت» استفاده شود تا با تیتراژ فصل هشتم در صفحه ۳۹۵ «شادمانی جرمی بتنام» هماهنگ شود. در صفحه ۳۷۶ به جای تیتراژ «نظریه عواطف اخلاقی» از «نظریه احساسات اخلاقی» استفاده شود. همچنین در همین صفحه به جای «اسباب ثروت ملل» از «علل ثروت ملل» استفاده شود. به جای تیتراژ «مشکل آدم اسمیت» در صفحه ۳۸۵، «مساله آدم اسمیت» جایگزین شود. در صفحه ۳۹۸ به جای «پیامدگرایی» بهتر است از «نتیجه‌گرایی» استفاده شود. تیتراژ «علایق مرتبط» در صفحه ۴۰۱ با «منافع مرتبط» جایگزین شود. همچنین در همین صفحه به جای «اعلامیه حقوق انسان» از «اعلامیه حقوق بشر» استفاده شود. همچنین تیتراژ «اشکالات» در صفحه ۴۰۶ با «مسائل» تعویض شود. تیتراژ «آمیزش بزرگ» در صفحه ۴۱۳ با «القاء یا الهام بزرگ» جایگزین شود. اصطلاح «انقلاب مارژینال» در صفحه ۴۱۴ با «انقلاب نهایی‌گرا» جایگزین شود. در همین صفحه، «مارژینال نزولی» با «مطلوبیت نهایی نزولی» جایگزین شود. در صفحه ۴۲۰ به جای تیتراژ «فایده در قرن بیستم» از «مطلوبیت در قرن بیستم» استفاده شود. به جای لفظ «کار بست» در تیتراژ صفحه ۴۲۴ از معادل «تجربه» استفاده شود. در صفحه ۴۲۵ به جای «چهار جنبه سرمایه‌داری» از «چهار جنبه مطلوبیت‌گرایی» استفاده شود. در صفحه ۴۵۷ به جای اصطلاح «حساب‌های بانکی مبدل» از «حساب‌های بانکی پوششی» استفاده شود. به جای «لیبرترین» در صفحه ۴۷۸ از «طرفدار آزادی فردی» و به جای «آنارشی» از «بی‌حکومتی» استفاده شود. «توماس پوگی» در صفحه ۴۷۹ به «توماس پوگ» تغییر یابد.

۶. نتیجه‌گیری

کتاب پاشنه‌آشیل سرمایه‌داری نوشته ریموند بیکر می‌تواند به عنوان کتابی کمکی و مکمل برای درس نظام‌های اقتصادی دانشجویان رشته اقتصاد و نیز اقتصاد سیاسی در رشته علوم سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. ترجمه و ویرایش کتاب مناسب است. تاکید اصلی کتاب بر آسیب‌پذیری‌های نظام سرمایه‌داری جهانی در قالب زنجیره سه حلقه‌ای بی‌قانونی، نابرابری و فلسفه تحریف‌شده با محوریت جریان پول‌کثیف از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته استوار است. از مزایای کتاب آن است که ضمن متکی بر شواهد آماری و تجربی بودن بررسی پول‌کثیف و نابرابری در دو بخش اول کتاب، در بخش سوم به بررسی و تحلیل مطلوبیت‌گرایی به عنوان مبنای فلسفی و اخلاقی نظام سرمایه جهانی پرداخته و در بخش چهارم به ارائه پیشنهادهای جهت اصلاح و تجدید حیات نظام سرمایه‌داری پرداخته است.

کتاب بیکر در مقایسه با سایر کتاب‌هایی که به نقد نظام سرمایه‌داری پرداخته است نیازمند روزآمد شدن است مخصوصاً با توجه به: ۱- مباحث جدید مطرح شده در اقتصاد نهادگرایی جدید در زمینه مکانیزم طراحی و نوآوری نهادی، ۲- سایر نظریه‌های عدالت از جمله نظریه آمارتیاسن و هایک و نیز دیدگاه‌های مربوط به عدالت در اندیشه متفکران دینی مانند شهید صدر (ره)، ۳- سایر عوامل موثر بر نابرابری درآمد و ثروت جهانی مانند نهادهای استعماری، حکومت‌های استبدادی و انقلاب‌های صنعتی. نگاه جامع‌نگر و بین‌رشته‌ای نویسنده نسبت به تحلیل و ارائه راه‌حل برای آسیب‌پذیری‌های نظام سرمایه‌داری جهانی از جمله دستاوردهای موفقیت‌آمیز کتاب است که مطالعه آن را به همه علاقمندان به مسائل اقتصاد جهانی توصیه می‌نمایم.

پی‌نوشت‌ها

۱. پاشنه آشیل، دلالت بر نقص یا ضعف علی‌رغم سلامت و قدرت عمومی دارد که می‌تواند منجر به انحطاط شود. گرچه در ریشه اساطیری، اشاره بر آسیب‌پذیری فیزیکی دارد اما در استعارات کنونی می‌تواند بر هر خصیله‌ای که منجر به شکست شود تعمیم داده شود. (دیکشنری انگلیسی کمبریج)

۲. سایر کتاب‌های تالیف‌شده توسط ریموند بیکر عبارتند از:

Baker, Raymond. (۱۹۹۹), *The Biggest Loophole in the Free Market System*, The Washington Quarterly 22(4): 29-46.

Baker, Raymond (۲۰۰۰), *Illegal Flight Capital Dangers for Global Stability*, International Politic, no. 6.

Raymond Baker and Jennifer Nordin (۲۰۰۴), *How Dirty Money Binds the Poor*, Financial Times, Oct. 13.

۳. سایر کتاب‌های منتشر شده در مجموعه نقد سرمایه‌داری از درون توسط انتشارات دنیای اقتصاد عبارتند از:

چارتیه، گری و چارلز دلبو جانسون (۱۳۹۶)، بازار آری، کاپیتالیسم نه: آنارشسیسم فردگرا در برابر مدیران، نابرابری‌ها، قدرت شرکت‌ها و فقر ساختاری، ترجمه مهرداد ملایی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

هاجسن، جفری (۱۳۹۵)، *اقتصاد و آرمان‌شهر*، ترجمه آرش طهماسبی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

سوروس، جورج (۱۳۹۲)، *سرمایه‌دار علیه سرمایه‌داری*، ترجمه امیر کامکار، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

کتاب‌نامه

استرم، الینور (۱۳۹۴)، *فهم تنوع نهادی*، ترجمه سید جمال‌الدین محسنی زنوزی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

بیکر، ریموند (۱۳۹۶)، *پاشنه آشیل سرمایه‌داری: پول‌کشیف و چگونگی احیای نظام بازار آزاد*، ترجمه سجاد امیری، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

عجم اوغلو، دارون و جیمز ای رابینسون (۱۳۹۳)، *چرا کشورها شکست می‌خورند*، ترجمه پویا جبل‌عاملی و محمد رضا فرهادی‌پور، چاپ دوم، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۹۲)، *مالکیت، عدالت و رشد در تحول اندیشه‌های اقتصادی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

Achilles heel (۲۰۱۹), meaning in the Cambridge English Dictionary (Dictionary.cambridge.org. Retrieved 2019-09-29.)

Baker, Raymond (۲۰۰۵), *Capitalism's Achilles Heel: Dirty Money and How to Renew the Free-Market System*, Hoboken, N.J.: John Wiley & Sons, Inc.

بررسی و نقد کتاب پائنده‌آسیل سرمایه‌داری: پول‌کشیف و چگونگی ... (محمدجواد نوراحمدی) ۳۷۷

Barro, Robert J (۲۰۱۳), *Democracy, Law and Order, and Economic Growth*, Chapter 3 from: Miller, Terry, Kim R. Holmes, Edwin J. Feulner, *Index of Economic Freedom*, Heritage Foundation.

Dunfee, Thomas W, Baker, Colleen (۲۰۰۷), *The Impact of Dirty Money on Global Capitalism*, *Business Ethics Quarterly*, Cambridge University Press, vol. 17(4), pages 729-742, October.

Global Financial Integrity (<https://gfintegrity.org/staff-member/raymond-baker>)

North, Douglass C (۱۹۹۴), *Economic Performance through Time*, *The American Economic Review*, Vol. 84, No. 3, pp. 359-368.

Partnoy, F. (۲۰۰۵), *Must-Reads for Budding Fraudsters*, Book review. *Financial Times* (August 9).

Hossein Nezhad, Zahra Katayoun Kavehnezhad (۲۰۱۳), *Choosing the Right Color: A Way to Increase Sales*, *International Journal of Asian Social Science*, 3(6):1442-1457

